

دستور پایه زبان

انگلیسی



مقدمه

دغدغه همیشگی من آموزش صحیح و سریع بوده. برای همین در کلاسهای درس و دانشگاه (در دوره های کارشناسی، ارشد و دکتری) طوری دانشجویها را راهنمایی کنم تا از بیراهه رفتن پرهیز کنند و میانبرها رو جلو خودشون داشته باشند. این جزوه به همراه فیلم های آموزشی مرتبط با آن، که در وبسایت فوناتیم قرار گرفته اند ادامه همین تلاشها بوده تا مسوولیت اجتماعی خودم را اداکنم و از سوی دیگر آموزش را هرچه بیشتر همگانی کنیم. امیدوارم که این آموزشهای رایگان برای شما مفید باشد. توجه کنید که این درسنامه در حد دستور زبان پایه است و برای مطالعه بیشتر در سطح حرفه ای باید به سراغ کتابهای جدی تری بروید که در همین دوره به آنها اشاره کرده ام.

ارادتمند

دکتر مهدی بازیار

شما می توانید برای حمایت از این تلاشها ما را در شبکه های اجتماعی با آیدی زیر دنبال کنید و ما رو دوستان خودتون معرفی کنید!

@fonateam

اینستاگرام

<https://www.instagram.com/Dr.MehdiBazyar/>

مجموعه فوناتیم تیمی از **متخصصان ترجمه و آموزش زبان** هستند که تعهدشان ارائه **پروژه های لوکس برای اولین بار در ایران در حوزه های آموزشی و پژوهشی** است.

<https://fonateam.com/>

مبحث اسم

برای نامیدن اشیاء، مکان ها، افراد و ... از اسم استفاده می کنیم.

اسامی انگلیسی هنگام جمع بستن S می گیرند، به هنگامی که آخر کلمات o, ss, ch, sh, x باشد es اضافه

می کنیم:

مفرد a bag, a book, a tree, جمع → bags, books, trees,

an orange, an apple جمع → oranges, apples

Boxes, buses, watches = es می گیرند

جمع های بی قاعده: برخی از اسامی شکل جمعشان متفاوت از فرمول مرسوم بالا می باشد.

الف: اسامی که ریشه لاتین دارند، جمع آنها به صورت لاتین است:

مفرد	جمع
Tooth:	teeth
Foot:	feet
Datum:	data
Stratum:	strata
Phenomenon:	phenomena

ب: اکثر کلماتی که به f ختم می شوند برای جمع بستن به ves تبدیل می شوند.

مفرد	جمع
Thief:	thieves (دزدها)
Leaf:	leaves (برگها)

Wolf: wolves (گرگها)

ج: کلماتی که جمع و مفرد آنها یکی است: fish (ماهی) و deer (آهو)

توجه: **fishes** منظور انواع ماهی است نه ماهی ها

د: بعضی اسم ها خودشان ذاتاً جمع هستند: اسم جمع (گله، جمعیت، مردم)

People, tribe, police, team

The people are talking

ه: جمع های بی قاعده دیگر

Man: men

Woman: women

Child: children

Mouse: mice

و: اسم های همواره مفرد، با اینکه ظاهری جمع دارند؛ این اسامی، اسم های غیرقابل شمارش نام دارند،

مثال: news و information و hair

This news makes everyone happy

➤ حروف صدادار انگلیسی: ۵ تا از ۲۶ حرف انگلیسی در نوشتار شامل o, e, i, u, a صدادارند و

بقیه حروف بی صدا هستند.

مالکیت:

الف: مالکیت مابین انسان و دیگر چیزها = 's

Ali's father, Ali's book

هنگامی که s جمع و s مالکیت همزمان در یک کلمه وجود دارد از 's استفاده می کنیم:

My brother's cars are Porsche.

ب: مالکیت ما بین دو چیز

The leg of table or Table leg

پیش اسم ها: کلماتی که می توانند پیش از اسم قرار گیرند!

الف) پیش اسم هایی که قبل از اسم های غیرقابل شمارش قرار می گیرند؛

Little time

A little money

Much rice

A great deal of butter (مقدار زیادی کره)

ب) کلمات یا پیش اسم هایی که قبل از اسم های جمع قابل شمارش قرار می گیرند؛

Several students, Few minutes, A few bags, Many tables

S + اسم + پیش اسم

ج) کلمات یا پیش اسم های که هم قبل از اسم قابل شمارش و هم قبل از اسم غیرقابل شمارش قرار می

گیرند؛

Some (rice, apples)

Any (money, students)

More (hair, pupils)

Most (time, students)

All (time, bags)

A lot of, Lots of

کاربرد an ، a ، the

موارد استفاده از the :

۱- وقتی اسمی را برای اولین بار استفاده می کنیم از a یا an استفاده می کنیم زیرا برای شنونده ناشناخته بوده اند و از آن به بعد به جای a و an می بایست از the استفاده کنیم چرا که برای شنونده مفهومی شناخته شده می باشد.

The Sun, the moon

۲- اسم ها یا پدیده هایی که در جهان شناخته شده می باشند و تنها یکی از آنها وجود دارد: قبل از خورشید از the استفاده می شوند.

۳- نام کوه ها، رشته کوه ها the Everest

۴- نام دریاها و بعضی رودخانه ها: the pacific ocean

۵- کتب مقدس معروف: the Quran و the bible

موارد عدم استفاده از the :

قبل از اسامی خاص، a و an و the به کار نمی بریم.

A Ali, the Hassan, John

قبل از نام فصول و ماه ها:

January, spring, summer, winter, autumn (fall)

قبل از اسم دانشگاه ها TEHRAN university

البته اگر بصورت زیر of بیاید می توان the را گذاشت:

The university of Tehran

~~The~~ Tehran University (غلط)

قبل از نام زبان ها:

The Persian (غلط)

البته در صورتی که Persian مقصود زبان باشد نه ملیت

The Persian people

اسامی که در مفهوم عام بکار می روند (بیشتر تجربی):

Geography, History,

She studies history.

She studies the history **of** Iran (در اینجا تاریخ خاص ایران مدنظر است)

تمایز بین some , any

Some در جملات مثبت، اما any در جملات منفی و سوالی به کار می رود:

I have some apples here.

I don't have any money = I have no money

1) We haven't got chocolate ice-cream either.

- 1) no
- 2) some
- 3) any
- 4) many

2) I'm going to take medicine.

- 1) a
- 2) an
- 3) some
- 4) any

3) There is water in the ocean.

- 1) a little
- 2) a lot of
- 3) many

4) very

صفت

کلمه ای است که برای توصیف اسم به کار می رود و قبل از اسم می آید مانند رنگها و small , big ,

tall ,

نکته: در انگلیسی صفت قبل از اسم می آید، برعکس فارسی؛

The black board

adj + n

The beautiful house

the + [adjective + noun]

ساختن صفت های برتر و برترین:

الف- صفت برتر (تفضیلی): از این نوع صفت برای مقایسه دو چیز (شخص) استفاده می کنیم:

۱- صفت های تک بخشی (تک هجایی)

صفت + er + than

Bigger, Smaller, Taller

Ali is taller than Hasan.

۲- صفت های دوبخشی یا بیشتر

more + صفت + than

More beautiful than

More interesting than

More attractive than

ب- صفت های برترین (عالی):

برای مقایسه یک چیز (شخص) با بیش از دو چیز (شخص) دیگر؛ حداقل بین سه پدیده از این نوع صفت استفاده می کنیم. که بسته به تعداد هجاهای موجود در کلمه به دو صورت زیر ظاهر می شوند.

۱- صفت های تک بخشی (تک هجایی):

The + صفت (big, tall, small, ...) + est

۲- صفت های دو بخشی یا بیشتر:

The + most + صفت

The most interesting, The most Attractive

The most Beautiful

صفات تفضیلی و عالی بی قاعده:



برابری صفت ها:

As + صفت یا قید + as (هم در مثبت، هم در منفی)

الف.

مثال:

Ali is as tall as Mahdi.

so + (صفت یا قید) + as (فقط در جملات منفی به کار می رود)

ب.

Today is **not** so cold as yesterday.

The same (weight, color, size, age, depth, length, price, height) + as

مثال:

This can have the same color as my car.

صفت ملکی

حتما بعد از صفت ملکی، یک اسم یا گروه اسمی می آید:

ضمایر فاعلی	ضمایر مفعولی	صفات ملکی	ضمایر ملکی
I	me	My	mine
You	You	Your	Yours
He	Him	His	His
She	Her	Her	Hers
It	It	Its	Its
We	Us	Our	Ours
You	You	Your	Yours
they	them	their	Theirs

ضمائر ملکی، بدون اسم (تنها) می آیند و جایگزین صفت ملکی و اسم می شود:

My green car (گروه اسمی)

This is my car (صفت ملکی) = this is mine (ضمیر ملکی) This car is mine

Here is my wallet, where is your wallet (yours : ضمیر ملکی)?

ضمائر انعکاسی یا تاکیدی

Myself ourselves
 Yourself Yourselves

 Himself
 Herself Themselves
 Itself

انعکاسی: در ضمائر انعکاسی فاعل و مفعول یک نفر هستند.

I saw myself in the mirror

تاکیدی: ضمیر تاکیدی در کنار فاعل قرار می گیرد.

I myself went to school. I went to school by my self

By myself = alone

فرمول جمله ساده در فارسی

فاعل + مفعول + فعل



مثال: علی حسن را زد

فرمول جمله ساده در انگلیسی:

Subject + verb (فعل اصلی + فعل کمکی) + object + بقیه عناصر

مفعول + فعل اصلی + (فعل کمکی) + (هیچ وقت فاعل حذف نمی شود) فاعل

فاعل (نهاد): معمولا عناصری که قبل از فعل قرار می گیرند (به غیر از قید).

- معمولا در جایگاه فاعل یک اسم یا گروه اسمی یا جایگزین آنها (ضمیر) قرار می گیرد

در فارسی: فاعل کار را انجام می دهد = کننده کار

در انگلیسی: فاعل (نهاد) الزاما کاری انجام نمی دهد. و همیشه قبل از فعل حتما باید فاعل باشد (که می

تواند کننده کار باشد یا مفعول باشد و یا حتی به چیزی ارجاع نکند)

Ali kicked Hassan.

He kicked Hassan (him).

- ضمائر فاعلی: ضمائری که می توانند در جایگاه فاعل قرار گیرند

I	We
You	You
He (مذکر), She (مونث), It (اشیا و حیوانات)	They

مفعول

کاربرد آن همچون فارسی است. در جایگاه مفعول، یک اسم یا گروه اسمی یا ضمیر می توان قرار داد.

- ضمائر مفعولی: ضمائری که در جایگاه مفعول قرار می گیرند.

Me	us
You	you
Him	
Her	them
it	

فعل

الف) شکل اول فعل: مصدر (یا شکل ساده)

To wash شستن, To walk پیاده روی کردن

To watch نگاه کردن, to go, to see, to cut, to put

نکته: شکل ساده فعل، همان مصدر بدون to است:

Wash, Walk, Watch, Go, See, Cut, Put

(ب) شکل دوم فعل: شکل گذشته past

(۱) افعال با قاعده (با اضافه کردن d یا ed):

Washed, Walked, Watched

(۲) افعال بی قاعده (باید حفظ شوند)

(1)	(2)	(3)
Go	went	gone
See	saw	seen
Cut	cut	cut
Put	put	put (p.p.)

(پ) قسمت سوم فعل: اسم مفعول (P.P.):

نحوه ساخت:

(۲) افعال با قاعده: همچون شکل زمان گذشته با اضافه کردن d یا ed درست می شوند:

Washed, Walked, Watched

(۲) افعال بی قاعده که فرمول خاصی ندارند (باید حفظ شوند)

(1)	(2)	(3) P.P.
Go	went	gone
See	saw	seen
Cut	cut	cut
Put	put	put (p.p.)

کاربرد قسمت سوم فعل: در ساختهای مجهول و برای ساخت برخی دیگر از زمانها بکار می رود.

افعال کمکی: افعال فرعی که به ساخت فعلهای مختلف کمک می کنند.

الف) افعال to be:

زمان حال

مفرد: (I) **Am**, (He, She, It) **is**

جمع: (we, you, they) **are**

Am, is $\xrightarrow{\text{گذشته}}$ (was)

are $\xrightarrow{\text{گذشته}}$ (were)

He is a student \longrightarrow he was a student

They are students (جمع) \longrightarrow They were students

اگر فعل اصلی در جمله نباشد. افعال to be نقش فعل اصلی را بازی می کنند:

He is (به جای فعل اصلی) a student

سوالی کردن جملات بصورت Yes & No: جای فعل کمکی و فاعل را عوض می کنیم:

Is he a student?

Yes he is

No he is not

قید

صفت \rightarrow اسم + ly

Mouth + ly = صفت

Friendly = صفت

قید → ly + صفت

Slow + ly = slowly
Common + ly = commonly
usual + ly = usually
slight + ly = slightly

افعال ربطی: افعال ربطی تعداد معدودی از افعال می باشد که با دیگر افعال واژگانی تفاوت دارند.

get , become , be , taste , smell , SOUND , seem , feel,

It **is** beautiful

The weather **became** cold

It is **getting** dark

نکته: معمولا بعد از فعل های ربطی، می توان در جمله صفت به کار برد. اما بعد از دیگر فعل ها نمی

توان صفت به کار برد. بلکه فقط **قید** ظاهر می شود.

Ali comes ~~old~~ (غلط)

Ali comes slowly (درست)

زمان ها

زمان حال ساده:

۱- برای بیان فعالیت مستقل از زمان (در همه حال): آینده، حال، گذشته

۲- برای بیان عمل یا فعالیتی که در زمان حال به صورت عادت یا متواتر انجام می شود

۳- و نیز برای بیان حقایق علمی و اتفاقاتی که به صورت طبیعی و همیشگی رخ می دهد، از این زمان

استفاده می کنند:

مثال:

The sun (it) rises from east and sets in the west

به هنگامی که فاعل سوم شخص مفرد است، به فعل s یا es (برای کلماتی که آخر آنها o, ss, ch, sh, x باشد) اضافه می کنیم

I go to university every day

She goes to university every day

✓ Iron ----- when it is heated

1) Expand 2) Expanded 3) expanding 4) expands

قیود تکرار: معمولا برای زمان حال ساده استفاده می شود، ولی برای زمان های دیگر هم به کار می روند:

Usually (معمولا), always (همیشه), often (اغلب), Sometimes (بعضی وقت ها), Every (time, day, week, month, year)

(به ندرت) scarcely, Barely, Hardly (هرگز) never = منفی

معمولا قیدهای تکرار بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی قرار می گیرند:

He always (never) goes to the park

نکته: هنگامی که قیدهای منفی را به کار می بریم جمله باید مثبت باشد (نیازی به not ندارد)، اما برای

قیدهای مثبت، جمله می تواند مثبت یا منفی باشد.

فرمول کلی سوالی کردن جملات بصورت بلی/خیر در انگلیسی: در همه زمانها تنها جای فعل کمکی را با فاعل عوض می کنیم. برای سوالی کردن زمان حال ساده چون فعل کمکی نداریم، از دو فعل کمکی do و does (اگر فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد) استفاده می کنیم.

Does he always go (es نمی گیرد) to the park?

Do they (فاعل) come (فعل اصلی) here every week?

Yes, they do یا No, they do not

نکته: حرف اول کلمات در ابتدای جمله، حروف بزرگ هستند، اگر حرف اول یک کلمه در وسط جمله بزرگ باشد حتما اسم خاص می باشد: اسم جا، شهر، کشور، انسان، یا چیز خاص...
منفی کردن جمله:

They do **not** come.....

They **don't** come..... Ali is **not** a student.

زمان گذشته ساده:

برای بیان کار یا فعالیتی که در زمان گذشته (و در زمان مشخصی) انجام شده و تمام شده است، از این زمان استفاده می کنیم. برای این زمان از شکل دوم فعل استفاده می کنیم V + ed

He went (فعل لازم؛ مفعول نیاز ندارد) to school yesterday?

(در این زمان نیاز به فعل کمکی نداریم)

They (we, I) went to school.

قیود:

Two (years, weeks,...) ago, last (week, year, day,...), yesterday

سوالی کردن: طبق معمول تنها جای فعل کمکی را با فاعل عوض می کنیم! اما دیدیم که فعل کمکی

نداشتیم! پس دست به دامان فعل کمکی من درآوردی DID می شویم!

Did he go to school yesterday?

She cuts her hand (حال ساده)

She cut her hand last week (گذشته ساده)

Did she cut her hand last week?

Yes, she did یا No, she didn't

They watched TV this morning

They **did** not watch (ed حذف) TV

در حالت سوالی و منفی حتما فعل به صورت ساده است زیرا قبلا در جمله یک نشانه زمان گذشته (DID) را بکار برده ایم.

زمان حال استمراری:

این زمان برای بیان عمل یا فعالیتی به کار می رود که در زمان حال در حال استمرار و انجام باشد.

To be (am, is, are) + v + ing

Ali is playing football now

سوالی: Is Ali playing football now?

Yes, He is یا No, he isn't

افعالی حسی و غیرارادی معمولا استمرار ندارند: مثل چشیدن، شنیدن، بوئیدن... مگر اینکه از بصورت ارادی بکار روند:

I'm smelling a flower.
This food tastes good

گذشته

گذشته استمراری: از این زمان برای بیان عمل یا فعالیتی استفاده می کنیم که در زمان گذشته در زمانی خاص در حال انجام و استمرار بوده است.

Was, were + V + ing

I was playing tennis yesterday **at this time.**
I was playing tennis yesterday **at 5 o' clock.**
They were playing tennis yesterday at 5 o' clock.

ماضی نقلی: present perfect (حال کامل): برای بیان عمل یا فعالیتی در زمان گذشته در زمان نامعلوم

اتفاق افتاده (و گاهی اثر آن تا زمان حال باقی می ماند)، همچنین برای بیان مواردی که چندین بار در گذشته تکرار شده است: در را باز کرده ام، دیوار را رنگ کرده ام.

Have, has + PP

It, he, she + has
I, we, you, they + have
I have seen many dragon parades (جشن اژدها)

نشانه های قیدی این زمان:

- For + طول دوره زمانی (two years, three weeks)
- Since + مبدا زمانی (this morning, yesterday)

این دو کلمه نشان دهنده عملی هستند که در زمان گذشته شروع شده و خود عمل یا اثر آن تا زمان حال

باقی مانده!

I have lived in Tehran **for** 5 years (برای)

I have lived in Tehran **since** 2005 (از)

• Already (قبلا)

I have already paid the money

• Just (چند لحظه پیش، اخیرا)

I have just painted the wall

• Ever معمولا سوالی (تاکنون - تا به حال)، never ، still ، yet

Have you ever visited Shiraz?

No, I haven't. I have **never** visited Shiraz

نکته: همانطور که گفتیم، معمولا برای بیان اعمالی که چندین بار (به صورت مکرر) در گذشته انجام

گرفته است نیز از این زمان استفاده می کنیم.

رفته ام رفته ایم

رفته ای رفته اید

رفته است رفته اند

We have travelled to Isfahan **three times last years**

We *have had* four tests **so far** this semester.

- **How often** ... (هر چند وقت یک بار)

How often do you go to the pool?

I go to the pool **once** (Twice, Three times,...) a week

سوالی کردن زمان حال کامل:

Have you (ever) traveled to Isfahan? ...

حال کامل استمراری (ماضی نقلی استمراری):

- Have, has + **been** + V + ing

برای بیان **طول دوره** عمل یا فعالیتی به کار می رود که در زمان گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه

داشته (با قیدهایی همچون *all morning, all day, all week for, since*):

Right now I am sitting at my desk.

(a) I **have been sitting** here *since* seven o'clock.

(b) I **have been sitting** here *for* two hours.

(c) You **have been studying** *for* five straight hours. Why don't you take a break?

I have been waiting here for two hours now. (من ۲ ساعته که اینجا منتظرم)

این فعل همچنین برای بیان عمل یا فعالیتی به کار می رود که در زمان گذشته شروع شده و تا زمان حال

به صورت مستمر ادامه داشته یا تاثیر آن به زمان حال رسیده است و تا زمان حال ادامه داشته و گاهی به

آینده هم می رسد (اخیرا در حال استمرار بوده است):

All of the students **have been studying** hard. Final exams start next week.

نکته: برای برخی از افعال (بخصوص *live, work, teach*) هنگام کاربرد با *SINCE* و *FOR* تفاوتی بین زمان

گذشته کاملشان و گذشته کامل استمراری آنها وجود ندارد:

He **has worked** at the same store for ten years.
He **has been working** at the same store for ten years.

کوه نرفته بودم

پارسال (زمان - عمل)

زمان ماضی بعید (گذشته کامل) Past Perfect

Had + P.P

این زمان برای بیان عمل یا فعلیتی استفاده می شود که در زمان گذشته قبل از عمل دیگری (یا قبل از زمان مشخصی) به اتمام رسیده باشد (انجام گرفته شده باشد).

مثال:

The thief simply walked in. Someone **had forgotten** to lock the door.

I **had washed** all the dishes **before** my wife **arrived** (گذشته ساده)

وقتی در جمله **before** و **after** می آید، از آنجا که این کلمات توالی زمانی (انجام کاری قبل از کار یا زمانی دیگر) را مشخص می کنند نیاز نیست حتما از ماضی بعید استفاده کنیم چون ماضی بعید برای نمایش انجام کاری قبل از کار یا زمانی دیگر است.

مثال:

She **had eaten** all the chocolates **by the time** (when می توان گذاشت) Alice arrived

زمان ماضی بعید (گذشته کامل) استمراری: برای تاکید بر روی طول دوره فعالیتی که قبل از عمل

دیگر یا زمان مشخصی در زمان گذشته در حال استمرار و انجام بوده است.

- Had + been + V + ing

قبل از اینکه همسرم بیاید در حال شستن ظرفها بودم

I had been washing the dishes before my wife arrived.

She had been eating the chocolates by the time Alice arrived

آینده ساده

در این زمان دو فعل کمکی داریم: will & be going to وقتی فرد اقدام به پیشگویی می کند می توان از

هر دو استفاده کرد:

- (a) According to the weather report, it will be cloudy tomorrow.
- (b) According to the weather report, it is going to be cloudy tomorrow.
- (c) Be careful! You'll hurt yourself!
- (d) Watch out! You're going to hurt yourself!

- معمولا اعمال غیرارادی و قطعی، و نیز امیدواری و انتظار فقط با **Will** بیان می شوند:

A: The phone's ringing.

B: I will get it.

A: I don't understand this problem.

B: Ask your teacher about it. She'll help you.

- معمولا برای اعمال ارادی بجای **will** از فعل کمکی **روبرو** استفاده می کنیم

Be + going to + V

- زمانی از **Will** استفاده می کنیم که از قبل عمل یا فعالیت مورد نظر را برنامه ریزی نکرده باشیم

و برعکس زمانی از **be going to** استفاده می کنیم که فعالیت مورد نظر را از پیش برنامه ریزی

کرده باشیم.

A: Why did you buy this paint?

B: I'm **going** to paint my bedroom tomorrow.

The weather is cold. I am going to the cinema instead of the pool.

وقتی فعل اصلی با go باشد بعد از going to می توان go را حذف کرد.

نکته: بعد از will , be going to فعل به صورت ساده ظاهر می شود (ed, es, s, ing و ... نمی گیرد)

قیود زمانی آینده:

Tomorrow, next (week, Monday, month, year, ...)

سوالی کردن:

He is going to wash his car next week.

Is he going to wash his car next week?

آینده استمراری: برای بیان عملی که در زمان آینده در زمان مشخصی در حال استمرار خواهد بود

[Will & be going to] + be + V + ing

مثال:

He will (is going to) + be + teaching English at this time tomorrow.

She will be playing football tomorrow at 5.

سوالی کردن:

Will she be playing football tomorrow at 5?

آینده کامل:

برای بیان عملی استفاده می شود که در زمان آینده قبل از عمل (زمان) دیگر کامل می شود.

[Will, be going to] + have + PP

(a) I will graduate in June. I will see you in July. By the time I see you, I **will have graduated**.

(b) I **will have finished** my homework by the time I go out on a date tonight.

عبارت By the time در جملات این زمان بسیار بکار می رود و جمله بعد از آن به صورت حال ساده ظاهر می شود.

نکته: اگر جمله به صورت جمله قیدی باشد به جای will (آینده)؛ حال ساده به کار می بریم .

You will have finished your homework before 8.

You will have finished your homework by the time Ali arrives (حال ساده)

سوالی کردن:

You will have practiced enough by ۵ o'clock tomorrow.

Will you have practiced enough by ۵ o'clock tomorrow?

No, I will not.

آینده کامل استمراری: برای تاکید بر روی طول دوره فعالیتی که قبل از عمل دیگر یا زمان مشخصی در زمان آینده در حال استمرار و انجام است.

{ Will + have been + V+ ing
Be going to

تست:

"What will you be doing tomorrow at this time?"

I in the library

- 1) will be studying
- 2) will have been studying
- 3) will study
- 4) will be studied

In summer, my brother tennis once or twice a walk

- 2) usually plays
- 3) is playing
- 4) has played
- 5) would play

I have wanted to visit your city I met you.

- 1) During
- 2) When
- 3) While
- 4) Since

ساختار افعال مجهول

هر جمله با این ساختار باشد مجهول است: **be + PP**

ساختار مجهول: **be (am , is , are , was , were , be , been , being) + pp**

ساختار: معمولا به یکی از دلایل ذیل از ساختار مجهول استفاده می کنیم:

۱- زمانی که فاعل ناشناخته است (یا فاعل را نداریم و یا نمی خواهیم فاعل را ذکر کنیم)

۲- در زبان انگلیسی گاهی اوقات برای تاکید بر روی مفعول با استفاده از ساختار مجهول

آن را به اول جمله می آوریم. (دیوار توسط علی رنگ زده شد)؛ مهم رنگ شدن دیوار

است نه رنگ زدن توسط علی

۳- برای زیبایی کلام یا به خاطر تنوع در سبک

The letter is written

I am punished (تنبیه شده ام)

تمرین: کدامیک از این افعال مجهول هستند؟

Is washing , has written , had washed, Has been cleaned

• تبدیل فعل معلوم به مجهول:

الف) زمان های ساده

۱- حال ساده:

Am, is , are + PP

2) I painted the wall

3) The wall is painted

۲- گذشته ساده:

Was , were + pp

She washed all the dishes

All the dishes were washed [by (ضمیر مفعولی) her (می تواند اضافه شود یا نشود) by]

۳- آینده ساده (و افعال وجهی)

ب) استمراری

۱- حال استمراری:

Am, is, are + being + pp

Mina is cooking a cake today

A cake is being cooked today

۲- گذشته استمراری:

Was, were + being + pp

Mina was cooking a cake yesterday

A cake was being cooked yesterday

Ali was drinking a glass of water yesterday

A glass of water was being drunk yesterday

ج) زمان های کامل:

Have , has + been + pp

۱- حال کامل:

You have done your homework

Your homework has been done.

Had + been + pp

۳- گذشته کامل:

We had broken the window when you arrived

The window had been broken when you arrived

کلمات ربطی

For

But

And

Or

Nor

Yet

So

هر دو طرف این دو کلمه ربطی از لحاظ دستوری باید یکسان باشد:

Adj + And , or + adj

adv + And , or + adv

v + And , or + v

s + And , or + s

n + And , or + n

Either....or (یا.....یا)

Either I come here or I go to school

Either Ali or Hassan will come here

Neither.....nor نه نه

Neither is he playing football nor is he studying his lessons

Neither is he hungry nor is he tired

هنگامی که از کلمه ربطی Neither.....nor در ابتدای جمله قبل از فعل استفاده می کنیم، شکل جمله به صورت سوالی درمی آید. یعنی جای فاعل و فعل کمکی عوض می شود. اما جمله مفهوم سوالی نخواهد داشت

Not only..... But also (نه تنها.... بلکه)

Not only is he hungry but also is dined

در این جمله دوباره جای فعل و فاعل عوض می شود (چون not only در ابتدای جمله منفی است)

Not only Ali but also my parents are tired.

فعل جمله جمع است، به خاطر اینکه parents را به عنوان فاعل در نظر می گیریم.
در کلمات ربطی بالا فعل معمولا با فاعلی که به آن نزدیکتر است تطابق پیدا می کند.

Both.... And..... (هم..... هم.....) فعل جمله جمع خواهد بود.

Both Ali and my parents are tired.

افعال وجهی (افعال ناقص)

معمولا وجه فعل را نشان می دهند این که آیا انجام دادن فعل ضروری، واجب، اختیاری است.

بلافاصله بعد از افعال وجهی همیشه فعل به صورت ساده ظاهر می شود.

I
can do it.
could do it.
had better do it.
may do it.
might do it.
must do it.
should do it.

We ought to do it.
You shall do it.
They will do it.

I can play football

Can I close the door? (Informal)

Could در برخی موارد گذشته can می باشد و در بعضی موارد در حال هم به کار می رود

Could I close the door (formal)?

(a) *Would you mind if I **closed** the window?*

(b) *Would you mind **if used** the phone?*

(c) *Would you mind **closing** the window?*

(d) Excuse me. *Would you mind **repeating** that?*

TYPICAL RESPONSES

No. I'd be happy to.
 Not at all. I'd be glad to.
 Sure./Okay. (informal)

کلمه may نشان دهنده احتمال می باشد و گذشته آن Might می باشد که می تواند در زمان حال هم استفاده شود.

May I open the window (formal)

He might come to class tomorrow

have to = must

این دو کلمه نشان دهنده الزام هستند have to کاربرد بیشتری دارد و برخی از اوقات هم معادل نیستند.

I must study hard to pass the exam

You must study hard to pass your exam. (advice)

It's 2 o' clock in the morning, the sky must be dark? (conclusion= 95% SURE)

I **have got to go** now. I have a class in ten minutes.

Should = ought to = had better

برای نصیحت، راهنمایی و توصیه به کار می رود. اما **had better** کمی قوی تر است و نشان دهنده هشدار یا تهدید پیامدهای بد است.

You should (ought to, had better) tell me the truth.

You **had better take** care of that cut on your hand soon, or it will get infected.

You'd better **not** be late.

Shall فقط با فاعل I و we برای اجازه گرفتن و یا پیشنهاد استفاده می شود.

Shall we go?

Shall we start?

Shall I finish?

Let's go to a movie. **Let's not go** to a movie. **Why don't we go** to a movie?

بیانگر اینست که فردی انتظار دارد چیزی اتفاق بیفتد: **BE SUPPOSED TO**

The game is **supposed to begin** at 10:00.

I **am supposed to go** to the meeting. My boss told me that he wants me to attend.

Jack **was supposed to call** me last night. I wonder why he didn't.

گذشته **should** و **ought to**: برای بیان عملی که باید به گذشته انجام می گیرند ولی صورت نگرفته است.

Should

Have + pp

Ought to

You should have taken your medicine.

You ought to have taken your medicine

Must + have + pp

برای استنتاج و نتیجه گیری از عملی که در گذشته اتفاق افتاده از فرمول فوق استفاده می کنیم.

The ground is wet. It must have rained

برای بیان کاری که می توانستیم انجام دهیم ولی انجام نداده ایم از فرمول ولی با could استفاده می کنیم:

You could have told me that you are coming

گذشته have to, کلمه had to می باشد:

My brother had to work 8 hours last year

Everyone in a society obey the law.

- 1) must
- 2) should
- 3) ought to
- 4) might

Reza fell asleep during the class. He have slept more last night

- 1) might
- 2) must
- 3) should
- 4) would

Do you know where Ali left the car keys? He ... them on the table.

- 1) should have left
- 2) could have left
- 3) might have left
- 4) would have left

کاربرد would

برای بیان عملی که در گذشته تکرار شده است

When I was a child my father would read me a story at night

در این ساختار would می تواند مشابه used to استفاده شود.

ساختار would rather به معنی شایسته است، بهتر است. فعل بعد از would rather به صورت ساده

می آید، گذشته کردن آن هم مشابه سایر افعال و جهی می باشد

I would rather go to the movie than stay at home

ترجیح می دهم برای فیلم دیدن بروم تا بمونم خونه.

کاربرد فعل دوم

در زبان انگلیسی (در ساختارهای با ۲ فعل؛ مثل بیا برویم، خواستم بخوابم و ...) هر گاه دو فعل پشت سر

هم و در یک جمله قرار بگیرند، فعل اول تابع زمان جمله و شخص فاعل می باشد. اما فعل دوم تابع فعل

اول می باشد. یعنی اینکه فعل اول تعیین می کند که ساختار فعل دوم به چه صورت باید باشد (که مثلاً

ed, ing و ... بگیرد)

I started (فعل اول تابع زمان است) to study two hours ago

فعل دوم تحت تاثیر start به صورت مصدر (to + V) می آید.

تاثیر افعال بر فعل دوم

۱- بعد از افعال زیر، فعل دوم به صورت ساده ظاهر می شود.

Let, Help + V

My brother helped me wash my car = My brother helped me **to** wash my car

My father **lets** me **drive** his car.

۲- بعد از افعال زیر، فعل دوم به صورت مصدر ظاهر می شود:

Hate	Neglect	Regret
Ask	Bear	Afford

Agree	Appear	Core
Claim	Come	Consent
Deride	Demand	Deserve
Refuse	Seem	Wait
Fail	Forget	Happen
hope	Hesitate	Intend
Learn	Manage	Mean
Offer	Plain	Pretend
Remember	Tend	Arrange
Aim	Attempt	Beg
Expect	Begin	Choose
Determine	love	Promise
start		

ب: پس از فعل اول، اسم یا ضمیر می آید و سپس فعل دوم به صورت مصدر می آید.

I forced him (Ali) to wash the car

tell someone to **permit** someone to **force** someone to **need** someone w
advise someone to** **allow** someone to **ask** someone to
encourage someone to **warn** someone to **expect** someone to
remind someone to **require** someone to **would like** someone to
invite someone to **order** someone to **want** someone to

۳- بعد از افعال زیر، فعل دوم به صورت *جراند* ظاهر می شود.

V + V+ing

enjoy quit (give up) avoid consider appreciate finish (get through)
 postpone (put off) discuss mind stop delay mention
 keep (keep on) suggest

GO + GERUND

go birdwatching go fishing* go sailing go skinnydipping
 go boating go hiking go shopping go sledding go skiing
 go bowling go hunting go sightseeing go snorkeling go running
 go camping go jogging go skating go swimming go dancing
 go canoeing/kayaking go mountain climbing go skateboarding

<p>be excited } be worried } about doing it</p> <p>complain } dream } about/of doing it talk } think }</p> <p>apologize } blame (someone) } for doing it forgive (someone) } have an excuse } have a reason } be responsible } thank (someone) }</p>	<p>keep (someone) } prevent (someone) } from doing it prohibit (someone) } stop (someone) }</p> <p>believe } be interested } in doing it participate } succeed }</p> <p>be accused } be capable } of doing it for the purpose } be guilty } instead } take advantage } take care } be tired }</p>	<p>insist on doing it</p> <p>be accustomed } in addition } to doing it be committed } be devoted } look forward } object } be opposed } be used }</p>
---	--	---

The shoes are too small (for me) to wear

دو کلمه کلیدی **enough** و **too**

Enough در جملات مثبت به کار برده می شوند به معنی «به اندازه کافی»

نحوه استفاده :

adj + enough

enough + n

Ali is old enough to go to school

I have enough money to buy a car

Too: به معنی خیلی یا بیش از حد و معمولاً به جملات بار منفی می دهد.

Ali is too weak to carry the rock

Hassan is too short to reach the shelf

Too + adj + (to v)

جملات پایه و پیرو:

الف- جملات مرکب: جملاتی که شامل یک جمله پایه (main clause) و یک یا چند جمله پیرو (یا وابسته subordinate clause) هستند را جملات مرکب یا پیچیده می گویند.

جمله پیرو: مجموعه ای از کلمات که می توانند نقش یک قید، صفت و یا اسم را در جمله ایفا کنند.

I was watching TV when he called

الف- جمله (یا جمله واره های) اسمیه (noun clause)

مقدمه: کاربردها و نقش های اسم و گروه اسمی در جمله

Ali is a teacher

۱- فاعل

She kicked Hassan

۲- مفعول

I was teaching in the class

۳- اسم + حرف اضافه

تعریف جمله واره های اسمیه: جملاتی که می توانند همچون یک اسم به کار روند و همچون اسم نقش های مختلفی را بر عهده بگیرند را جمله واره های اسمی یا اسمیه می گویند.

How is his house?

I don't know how his house is.

I don't know his house

I don't know the answer

I don't know what the answer is

What is the answer?

I was painting. She was looking at my painting.

She was looking at what I was painting

It is true. Many people are starving. → It is true that many people are starving

Where he lives is not important.

در جایگاه فاعل آمده و یک گروه اسمی است

What time is it? I don't know. → I don't know what time it is (جمله وارده اسمیه)

نکته: برای شناسایی جمله وارده اسمیه، به جای آنها ضمیر IT قرار دهید. اگر معنی دار بود، آن جمله یک جمله اسمیه است:

How this was organized was something I was curious about

ب- جمله وارده های توصیفی (وصفی - صفتی): **Adjective clauses**

جمله وارده هایی که جای صفت ظاهر می شوند / جملات پیروی هستند که نقش صفت را ایفا می کنند و اطلاعاتی در مورد اسم ما قبل خود می دهند.

در انگلیسی صفت قبل از اسم می آید (اسم + صفت) Black board اما جمله وارده صفتی بعد از اسم می آید

یادآوری: در ابتدای جملات پیرو یک کلمه ربطی قرار دارد. کلمات ربطی (ضمایر موصولی) در جمله وارده های توصیفی عبارتند از:

... + who + اسم انسان

۱- برای حالت فاعلی:

Ali works very hard. Ali is my friend. →

Ali who works very hard is my friend

The students missed the assignment. They were absent from the class →

The students who missed the assignment were absent from the class

۲- برای حالت مفعولی

... + Whom + اسم انسان

I saw the girl. You know the girl. → I saw the girl whom you know

Which + اسم اشیا و چیزها

۳- برای همه حالتها

I like the car. You bought the car → I like the car which you bought

She lectured on a topic. I know very little about the topic.

She lectured on a topic which I know very little about?

I am reading a book. It was written by Mrs. Austen.

I am reading a book which was written by Mrs. Austen.

۴- برای همه حالتها و چیزها

That + اسم همه موارد

اسم مملوک + whose + اسم مالک

۵- حالت ملکی

The author has two sons. His books are famous →

The author whose books are famous has two sons.

I know a man. His name is Zeidan. → I know a man whose name is Zeidan

جمله واره های توصیفی کوتاه شده:

۱- اگر فعل جملات توصیفی یکی از مشتقات be باشد (am , is , are , was , were) می توان ضمیر

موصولی و فعل be را حذف نمود بدون اینکه معنای جمله تغییری کند.

All over the world there are people [who are polluting the land]

All over the world there are people polluting the land

Most plastics [which are made from oil] are difficult to recycle

Most plastics made from oil are difficult to recycle

۲- اگر در جمله واژه توصیفی فعل **be** نباشد، برای کوتاه کردن آن می‌توانیم ابتدا ضمیر موصولی را حذف کنیم و سپس به فعل جمله واژه **ing** بیفزاییم.

In some countries people [who produce trash] are punished

In some countries people producing trash are punished

نکته: کلماتی مثل **when** , **where** , **why** , **what** می‌توانند به عنوان قید ربط در موارد زیر به کار روند

۱- اگر به زمان اشاره شود از **when** و معادل های آن (**on which** , **at which** , **in which**) استفاده می‌کنیم

I don't know when she comes

۲- اگر جمله واژه به علت اشاره کند، **why** یا **for which** استفاده می‌کنیم.

I'm not sure why (for which reason) he is late

۳- اگر جمله به مکان اشاره کند (جایی که)؛ از **where** استفاده می‌کنیم. یا معادل های آن

(**on** , **in** , **at** , **to**) **which**

Iran is a country where (in which) women wear scarf

۴- اگر جمله واژه به چیزی اشاره کند از **what** (آنچه) استفاده می‌کنیم:

I gave him what he wanted

ج- جمله واژه های قیدی: (Adverb Clause)

جمله وارہ هایی هستند کہ می توانند نقش قید (توصیف گر فعل) را در جمله بازی کنند.

۱- برای نشان دادن علت و معلول (قید علت) از کلماتی مانند *because* , *now that* , *since* استفاده می

کنیم:

Because he was sleepy, he went to bed = He went to bed because he was sleepy.

نکته: جمله وارہ های قیدی می تواند هم قبل و هم بعد از جمله وارہ اصلی ظاهر شود

Now that the semester is over, I'm going to rest a few days and then take a trip.

چون کہ حالا ترم تمام شده من می خواهم چند روزی را استراحت کنم و سپس بروم مسافرت

You failed the test since you didn't study at all

۲- جمله وارہ های قیدی کہ نشان دهنده *تقابل* و *تعارض* هستند

Even though (although) the weather was cold, I went swimming

با وجودی کہ (اگر چه) هوا سرد بود من به شنا رفتم

Though فقط در انتها می آید و قدری غیررسمی است

She was very sick; she didn't take her medicine though

او مریض بود با این حال داروهای را نخورد

Mary is rich while John is poor. (در حالی کہ)

Whereas Mary is rich, John is poor.

۳- جمله وارہ های قیدی شرطی: با قیدهای ربطی زیر شناخته می شوند:

If, whether or not, even if, in case, in the event that, unless, only if

If (in case, in the event that = در صورتی کہ) it rains, the streets get wet.

Whether or not (چه آره، چه نه) he comes, she will leave here

Even if = اگر حتی

کاربرد کلمات پرسشی و نحوه سوال پرسیدن با WH-Question

(۱) Who به معنای چه کسی است و حالت فاعلی دارد (جایگزین فاعل می شود)

a) Who + فعل اصلی + مفعول + ...

Who lives here?

b) Who + فعل کمکی + فعل اصلی + مفعول + ...

Who will take you to school?

(۴) Whom به معنی چه کسی را می باشد و حالت مفعولی دارد (جایگزین مفعول می شود)

Whom + فعل اصلی + فعل کمکی

Whom did you call?

(۵) Which به معنای کدام می باشد و برای غیرانسان به کار می رود.

a) Which + فعل اصلی + فعل کمکی

Which was going to be repaired?

b) Which + فعل اصلی + فاعل + اسم

Which window you broke?

c) Which + فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + اسم

Which window did you break?

(۶) What به معنای چه چیزی، چه چیزی را می باشد.

a) What + فعل اصلی + فعل کمکی (اگر بجای مفعول بیاید)

What did you do?

b) What + فعل اصلی + ... (اگر بجای فاعل بیاید)

What happened here?

Why , where , when (V

فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + Why, where, when

Why did you kill him?

Where did you go?

When will Ali come here?

: Whose (A

Whose + اسم (مالک) + فعل + اسم (مملوک)

Whose book is this?

Whose father is he?

Whose father went to the party?

نقل قول

نقل قول مستقیم: برای بیان نقل قول در زبان انگلیسی، معمولاً جملات نقل قول مستقیم را این

علامت (" ") قرار می دهند.

The man said, "I polish it every day."

نقل قول غیرمستقیم: برای بیان نقل قول غیرمستقیم، اگر فعل نقل قول گذشته ساده باشد، فعل

موجود در جمله نقل شده، معمولاً به شکل گذشته ظاهر خواهد شد.

I watch TV every day. → She **said** she watched TV everyday

She **said** "I watch TV every day."

I am watching TV → She **said** she was watching TV

I watch TV every day → She **said** she watched TV every day.

I am watching TV → She **said** she was watching TV.

I have watched TV → She **said** she had watched TV.

ج) اگر در جمله نقل قول مستقیم فعلهای کمکی *should, ought to, might* داشته باشیم، در نقل قول غیر مستقیم نیازی به تغییر آن فعلها به زمان گذشته نیست:

I should watch TV. She said she should watch TV

I ought to watch TV. She said she ought to watch TV

I might watch TV. She said she might watch TV

نکته: اگر بین زمان بیان یک جمله و نقل آن توسط فرد دیگر، فاصله زمانی بسیار اندکی وجود داشته باشد (یعنی بلافاصله نقل کنیم: الان استاد چی گفت، او گفت: تکلیف نمی خواهد..). در این موارد زمان نقل قول شده را تغییر نمی دهیم

A: What did the teacher just say? I didn't hear him! (بدون فاصله زمانی)

B: He said he *wants* us to read chapter six.

A: I didn't go to class yesterday, Did Mr. Jones make any assignments? (با فاصله زمانی)

B: Yes, he said he *wanted* us to read Chapter Six.

نکته: واقعیت علمی (fact): در جملاتی مثل جملات ذیل با اینکه بین زمان بیان جمله و نقل قول درباره آن فاصله افتاده است، باز فعل را در جمله نقل قول غیرمستقیم تغییر زمان نمی دهیم، چون که جمله نقل شده گویای یک واقعیت علمی می باشد.

The world is rounded (نقل قول مستقیم)

Ali said that the world is rounded (نقل قول غیرمستقیم)

نکته: اگر فعل نقل قول یکی از زمان های حال ساده، حال کامل (ماضی نقلی) و آینده باشد، در هنگام نقل قول غیرمستقیم، تغییر زمان فعل نخواهیم داشت.

I watch TV every day → she **says** (حال ساده) she watches TV every day

I watch TV every day → she has **said** (ماضی نقلی) that she watches TV every day

I watch TV every day → she **will say** (آینده) that she watches TV every day

در نقل قول گذشته، هنگامی که می خواهیم فعل امری را نقل قول کنیم به جای فعل say از tell استفاده می کنیم و به جای فعل از مصدر استفاده می کنیم.

Watch TV! → she **told** me to watch TV

Mother: "wash your clothes" → She told me to wash my clothes.

Hassan: "open the door" → He told me to open the door.

جملات شرطی

فرمول کلی جملات شرطی:

If (جمله واره شرط), جواب شرط

الف. جملات شرطی نوع اول:

در این نوع جملات در قسمت جمله واره شرط، از زمان حال ساده استفاده می کنیم و قسمت جواب

شرط نیز از حال ساده یا آینده ساده (will + v) استفاده می شود، این نوع شرطی به حال یا آینده اشاره

دارد

If I **have** enough time, I **watch** TV (I **will** watch TV)

If I don't eat breakfast, I always get hungry during class

Whether or not it rains, we should stay home.

نکته: در قسمت جواب شرط می توانیم از افعال وجهی همچون (can, might) should , (be going to) استفاده کنیم.

If it rains, we're going to stay home

نکته: بعضی وقت ها در جمله شرطی از should استفاده می شود. در این صورت این جمله نشان دهنده عدم قطعیت می باشد.

If anyone should call me, please take a message : عدم قطعیت

ب. جملات شرطی نوع دوم:

در قسمت جمله شرطی از فعل گذشته استفاده می کنیم و در قسمت جواب شرط از فعل ساده + would استفاده می کنیم.

فعل ساده + would + (جمله واره شرط = فعل گذشته ساده) If

If I had enough money, I would (could) buy that car

If I taught this class, I wouldn't give test

توجه داشته باشید که در قسمت جمله شرطی، فقط از were استفاده می کنیم (یعنی از was استفاده نمی کنیم)

If he were here right now, he would help us.

If I were you, I would accept their invitation.

ج. جملات شرطی نوع سوم:

در قسمت جمله شرطی، از ماضی بعید (یا گذشته کامل) استفاده می کنیم و در جواب شرط از would

have + pp استفاده می کنیم:

If (جمله واره شرط = ماضی بعید) + would (could) have + PP

If you had told me the truth, I couldn't have killed him

If I had had enough money, I could have bought a car

نکته: حذف if

- (a) *Were I you, I wouldn't do that.*
- (b) *Had I known, I would have told you.*
- (c) *Should anyone call, please take a message*

پایان

تهیه و تدوین: دکتر مهدی بازاریار

ما را در شبکه های اجتماعی با آیدی زیر دنبال کنید:

@fonateam

اینستاگرام

<https://www.instagram.com/Dr.MehdiBazyar/>

<https://fonateam.com/>

فوناتیم، اولین بازارگاه تخصصی آموزش زبانهای خارجی ایران

مجموعه ما تیمی از **متخصصان ترجمه و آموزش زبان** هستیم که تعهدشان ارائه **پروژه های لوکس برای اولین بار** در ایران در حوزه های **آموزشی و پژوهشی** است.